

عروسک یک فیلم قصه‌گوی خوش روایت است با یک قصه استاندارد البته باید بگویم که پایان بندی‌اش یک مقدار بداهه کار شده و حسب آنچه که در فیلمنامه بود عیناً پیش نرفته است معمولاً نیز عرف اجازه می‌دهد که فیلم ۲۰ درصد از فیلمنامه متفاوت باشد.

سخن‌پایانی

امیدم این است که شرایط به گونه‌ای شود که سینمای بومی ایران مثل فیلم ما و سینمای ترک، بلوچ، عرب خوزستان، کرد و حتی زبان‌ها و لهجه‌های دیگر نیز بتوانند در این سینما امکان ساخت و نمایش داشته باشند. خوشبختانه به نسبت گذشته این مسئله بیشتر جا افتاده است اما نکته‌ای وجود دارد که جهت‌گیری مدیران سینمایی باید به سمتی باشد که فیلمهای بومی با محتوای جهانی ساخته شود که هم مخاطب بومی را جذب کند و هم مخاطب جهانی را اما متأسفانه مدیران سینما چنین تعلق خاطری به سینما ندارند. بزرگترین چالشی که «عروسک» با آن مواجه شد مسئله جشنواره فجر بود. به نظر اعضای هیئت انتخاب و اعضای نظارت اصلاً فیلم را نفهمیدند و درکی از موقعیت و شرایط فیلم نداشتند که باعث دلخوری شد. معتقدم تالانت ناشی از آن اتفاق و در ادامه توقیف فیلم باعث شد که اصغر را از دست بدهیم. به لحاظ اخلاقی باید بگویم کسی که در اداره ممیزی می‌نشیند باید بداند که آن خودکار قرمزی که در دستش است ممکن است به پایان زندگی کسی منجر شود و این امر خطیری است. تمام مسائلی که درباره فیلم «قولچاق» یا همان «عروسک» می‌گفتند سو تفاهم بود و اصلاً ربطی به فیلم نداشت. به نظر من این مسئله باید برای همه درسی باشد که وقتی مسئولیتی داریم و هر کس در جایگاه خودش آن را به شکلی انجام دهد که آسیب جدی به دیگری یا حتی در نهایت مرگ انسانی نشود.

پرستو فانیید:

با افتخار رویای این فیلم هشتم

پرستو فانیید که فیلم «عروسک» اولین تجربه او در زمینه بازیگری است تحصیلاتش را در رشته معماری انجام داده و قبل از بازی در فیلم «عروسک» تجربه بازی در تئاتر و سینما را نداشته است.

انتخاب شما برای این نقش چگونه بود؟

سال ۹۷ در یک دوره گویندگی شرکت کردم و تصمیم گرفتم برای یکی از دکلمه‌هایم ویدیویی ضبط کنم. کسی که زحمت کارگردانی آن کلیپ را کشید، دستیار آقای یوسفی نژاد بود و مرا به ایشان معرفی کرد. برای تست بازیگری به دفترشان مراجعه کردم و برای نقش «رویا» پذیرفته شدم. متوجه شدم که ایشان بسیار سخت‌گیر هستند و برای این نقش از افراد بسیار زیادی تست گرفته‌اند و انتخاب شدنم مرا شگفت زده کرد. این اتفاق نشانه خوبی بود تا به خودم بیشتر اعتماد کنم.

روند نزدیک شدن به این نقش و چالش اصلی آن چه بود؟

آقای یوسفی نژاد باور داشتند که بهتر است نقش به بازیگر نزدیک شود نه برعکس. چالش اصلی برای من و کل تیم بازیگری، بیشتر سبک کاری ایشان بود که تمرینهای طولانی می‌طلبید. من از ایشان یاد گرفتم که برای «رویا» شدن، خودم را فراموش نکنم. برای مثال در تمرینها هر جا که دیالوگ گفتن هر کدام از بازیگرها شبیه لحن عادی خودش نبود ایشان تذکر می‌دادند و تمرین از نو تکرار می‌شد. برای من این نوع دیالوگ گویی آسان بود چون تجربه قبلی نداشتم ولی برای برخی از همکارانم که تجربه طولانی در تئاتر داشتند این موضوع چالش بزرگی بود، چون تمام گفت‌وگوها و حالات چهره و زبان بدن کاملاً باید عادی و شبیه زندگی روزمره می‌شد و کوچکترین اغراقی، قابل قبول نبود.

چالش فیلمسازی پلان سکانس برای بازیگران چیست؟

پلان سکانس همه چیز را پیچیده‌تر می‌کند از ساده‌ترین موارد مثل حفظ دیالوگها و میزانشن‌ها تا رعایت یکدست بودن بازی‌ها و تعامل درست و پیوسته با بازیگران دیگر و البته داشتن تکنیک‌های مختلف نجات پلان! یعنی هر جا لازم بود بازیگر بتواند خطاهای ریز را پوشش دهد. فیلم «عروسک» فیلمی بازیگر محور است و در واقع تدوین جلوی دوربین اتفاق افتاده و تمام شده است. بازیگر باید حواسش به همه چیز باشد چون دوربین فقط با حرکت بازیگر حرکت می‌کند. در فیلم‌های اینچنینی رعایت ریتم توسط بازیگر، بسیار اساسی است.

تجربه همکاری با آقای یوسفی نژاد چه تاثیری بر روند حرفه‌ای بازیگری شما داشته؟

آقای یوسفی نژاد انسانی بسیار ارزشمند، نخبه و استاد بزرگی برای من بودند. کار کردن با ایشان سبب شد به کشف بیشتری در مورد خودم برسیم و خودم را حسابی محک بزیم. فیلم «عروسک» فیلم بسیار پیچیده و سختی بود. من انسان خوشبختی هستم که چنین اثری در کارنامه دارم و با افتخار، «رویا»ی این فیلم هستم.



سی از زندگی

در گذشت مرحوم یوسفی نژاد بر اکران اثر تاثیر گذاشت؟

بگذارید اینگونه بگویم، سال گذشته همین موقع در جشنواره فیلم استانبول شرکت کرده بودیم و من حسب چیزی که تصور می‌کردم خواستم یک توضیحات اولیه راجع به فیلم و شرایطش بدهم که یکی از مخاطبان جشنواره گفت که ما سینمای ایران را خوب می‌شناسیم همینطور آقای یوسفی نژاد را و مسائل مربوط به فیلم را نیز می‌دانیم من خیلی خوشحال شدم که دنیا آنقدر کوچک شده و با یک سرچ ساده اطلاعاتی که زمانی آنقدر سخت می‌شد به دست آورد در اختیار همگان قرار می‌گیرد ولی می‌خواهم بگویم که فیلم در حال حاضر نیز روی اسم آقای یوسفی نژاد می‌چرخد هر چند که فیلم بازیگران بسیار خوبی دارد اما بزرگترین ستاره‌اش باز هم خود آقای یوسفی نژاد هستند. کسانی که فیلم «رویا» را دیده‌اند و سینمای ترکی ایران را می‌شناسند به فیلم بسیار علاقه‌مند بودند. متأسفانه ما به دلیل شرایطی که در کشور بر حوزه اکران حاکم است نتوانستیم «عروسک» را در گروه‌بندی‌های مرسوم فیلم اکران کنیم چون اصطلاحاً می‌گویند فیلم کله ندارد در واقع منظور شون چهره شناخته شده است ولی هر کسی که فیلم را ببیند بر این صحنه می‌گذارد که بازیگران فیلم بازیگران بسیار توانمندی هستند. ما در مسیری قرار گرفتیم که باید انتخاب می‌کردیم فیلم را اکران کنیم یا نه اینجا بود که من و خانم اصلانی، همسر آقای یوسفی نژاد تصمیم گرفتیم که فیلم را اکران کنیم و با تلاش‌های گروه هنر تجربه این امر میسر شد.

استقبال مخاطبان ترک زبان از اثر چگونه بوده؟

البته فیلم «عروسک» صرفاً برای مخاطب ترک زبان نیست و صرفاً کاراکترها با زبان ترکی حرف می‌زنند. مادر تریز استقبال بهتری داریم ولی در اردبیل، ارومیه و شهرهای دیگر استقبال آنقدر که می‌خواستیم نبود. می‌خواستیم در استان‌های ترک نشین که زمینه دیدن فیلم ترکی را دارند این اثر را به صورت گسترده‌تر اکران کنیم که به خاطر شرایط موفق نشدیم ولی باز هم در استان‌های ترک نشین اتفاقات خوبی برای فیلم می‌افتد و امیدوارم که خیلی بهتر از این نیز بشود. از آنجایی که فیلم زیرنویس فارسی دارد و در اکران جشنواره‌های خارجی با زیرنویس انگلیسی ارائه می‌شود کاملاً داستانش فهمیده می‌شود.

است. او سال‌های زیادی دبیر فرهنگ و هنر روزنامه ایران بوده و مجله‌ای به نام سینمای نو که بعدها ماهنامه شد را منتشر می‌کرد. او در زمینه تولید مستند و فیلم کوتاه نیز حضور داشته است. نام او برای اهالی تئاتر نیز بخاطر تهیه‌کنندگی نمایش‌های «سفرود بی‌دم» و «رستاخیز عشق» نیز آشناست.

آشنایی و همکاری شما با آقای یوسفی نژاد چگونه شکل گرفت؟

آشنایی من با آقای یوسفی نژاد به فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان و من برمی‌گردد. ایشان در مجله تخصصی سینما مطلب می‌نوشت و دانشجوی کارگردانی دانشکده صدا و سیما بود و ما اولین بار تا جایی که یادم هست در صف‌های مشهور تماشاخانه فیلم در جشنواره فجر یکدیگر را ملاقات کردیم. ایشان مدتی در صدا و سیما نیز فعالیت می‌کردند. زمانی که ایشان فیلم «رویا» را ساختند آشنایی و دوستی ما عمیق‌تر شد. آن زمان اختلاف نظری بوجود آمده بود که فکر می‌کردند شناخت از مردم آذربایجان و فرهنگ ترکی آنجا وجود ندارد و فکر می‌کردند اگر فیلم نمایش داده شود مردم آنجا ممکن است اعتراض کنند و سابقه ذهنی این نگرش هم به مسئله اعتراض مردم آذربایجان به روزنامه ایران برمی‌گشت. من آن زمان در سازمان سینمایی کار می‌کردم و اصلاً نمی‌دانستم که فیلم ساخته آقای یوسفی نژاد است از آنجایی که من ترک همدان هستم به عنوان یک مشاور بی‌طرف از من درخواست کردند که فیلم را ببینم و اعلام کردم که این فیلم هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و توضیح دادم که مسئله روزنامه ایران یک سوء تفاهم بزرگ ملی بود که هم بد مدیریت شد و هم عده‌ای به دنبال ایجاد آن اتفاق بودند و سرانجام پس از گفت‌وگو با دوستان بر سر اجزای فیلم و تاثیر زبان به اجزای فیلم متقاعد شدند که به جشنواره فجر بیاید و در نهایت هم نتیجه بسیار قابل قبولی از این جشنواره دریافت کرد. ارتباط ما پس از این مسائل تنگاتنگ شد ولی من اصلاً تصور اینکه بخوام این اثر را تهیه‌کنندگی کنم نداشتم و در نهایت با اصرارهای ایشان پذیرفتم و از بسم الله فیلمنامه در جریان اثر بودم. ایشان فیلمنامه را می‌فرستاد و ما گروه چند نفره‌ای داشتیم که فیلمنامه را می‌خواندند و به این شکل این روند ادامه پیدا کرد.